

شرح منظوم دعای کمیل

بر پایه گزیده اشعار نغز و پر مغز عارف واصل

مرحوم مغفور

آیت الله حاج شیخ حیدر علی صلواتی «قدس سره»

محمود صلواتی

سرشناسه:	صلواتی، حیدرعلی، ۱۳۵۱-۱۲۸۰.
عنوان و پدید آورنده:	شرح منظوم دعای کمیل بر پایه گزیده اشعار نغز و پر مغز عارف واصل مرحوم مغفور آیت الله حاج شیخ حیدرعلی صلواتی.../محمود صلواتی.
مشخصات نشر:	قم، آبات: انتشارات مبارک، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری:	۲۷۲ صفحه
شابک:	۹۷۸ - ۶۲۲ - ۹۶۵۷۷ - ۲ - ۰
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
موضوع:	دعای کمیل - شعر
موضوع:	شعر مذهبی فارسی - قرن ۱۴
رده بندی کنگره:	PIR ۸۳۵۰
رده بندی دیویی:	۸۱/۶۲ فا
شماره کتاب شناسی ملی:	۶۰۳۰۴۵۶



انتشارات آبات

عنوان کتاب: شرح منظوم دعای کمیل: گزیده اشعار آیت الله حاج شیخ حیدرعلی صلواتی (قدس سره)
نویسنده: محمود صلواتی
حروف نگار و صفحه آرا: وجیه عظیمیا
ناشر: آبات
ناشر همکار: مبارک
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: چاپ اول / ۱۳۹۸
قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۵۷۷-۲-۰ ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۵۷۷-۲-۰ ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۵۷۷-۲-۰

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است

مراکز پخش:

اصفهان، خمینی شهر، بلوار شهید اشرفی اصفهانی، نبش کوچه ۴۷، مجموعه فرهنگی

موسی بن جعفر (ع)، تلفن: ۰۹۱۳۳۲۸۹۰۵۳ - ۰۳۱-۳۳۶۳۳۸۱۱

قم، انتشارات آبات، ۰۹۱۰۷۷۱۷۱۸۷

فهرست

- پیشگفتار..... ۱۳
- کمیل کیست؟..... ۱۵
- توشه اول: درخواست از رحمت گسترده پروردگار..... ۲۱
- گرفتاری، زمینه پناه بردن به خدا..... ۲۲
- توشه دوم: چیرگی خدا بر همه آفریدگان..... ۲۴
- داستان حنظل غسیل الملائکه..... ۲۵
- خضوع تکوینی موجودات و ارادی انسان در برابر آفریدگار..... ۲۶
- شکستن صدف و پروردن درّ گرانها..... ۲۷
- توشه سوم: جباریت یا پوشش بیمه خداوندی..... ۲۸
- اظهار نیازمندی زمینه دریافت فیض..... ۲۹
- در آزمون امام حسین(ع) اصحاب خویش را..... ۳۰
- توشه چهارم: عزت تنها به دست خداست..... ۳۲
- توشه پنجم: گستردگی عظمت خداوند..... ۳۴
- انسان شاهکار آفرینش..... ۳۵
- اشاره به حدیث «من عرف نفسه فقد عرف ربه»..... ۳۵
- تجلی عظمت انسان در حضرت یوسف(ع)..... ۳۶
- توشه ششم: سلطنت حقیقی خداوند بر موجودات..... ۳۷
- سلطنت حکیمانه..... ۳۷
- تسلیم ابراهیم در برابر پروردگار..... ۳۸
- حکایت غلامی که عاشق شهزاده ای شد..... ۳۹
- توشه هفتم: جاودانگی خدا و تباهی ماسوی..... ۴۱
- منیت و خودبینی عامل طرد شدن شیطان..... ۴۱
- سامری و فریب قوم موسی..... ۴۲

- ۴۲..... وجه الهی علی (ع) و دیگر دوستان خدا.
- ۴۴..... توشه هشتم: حقیقی بودن دانش الهی
- ۴۴..... دانشمندان حقیقی
- ۴۶..... توشه نهم: نور آسمانها و زمین
- ۴۶..... انسان کامل
- ۴۸..... توشه دهم: بی آغاز و بی انجام
- ۴۹..... تمثیل مرد دهقان و ترسیم چرخه حیات
- ۵۰..... دست نیاز به درگاه آفریدگار بی انجام و بی آغاز
- ۵۱..... توشه یازدهم: پرده پوش اسرار
- ۵۱..... سر علاقه سلطان محمود به ایاز
- ۵۳..... توشه دوازدهم: گناهان گرفتاری آفرین
- ۵۴..... زشتی تحقیر انسانها و داستان حضرت سلمان
- ۵۵..... توشه سیزدهم: گناهان گرداننده نعمت
- ۵۶..... مراتب شرک به خداوند
- ۵۷..... توشه چهاردهم: گناهان بازدارنده دعا
- ۵۷..... چهار گناه بازدارنده دعاست
- ۵۹..... توشه پانزدهم: گناهان فرود آورنده بلا
- ۵۹..... رانده شدن آدم از بهشت
- ۶۱..... توشه شانزدهم: گناهایی که امید را میراید
- ۶۱..... ناامیدی قارون از رحمت پروردگار
- ۶۲..... عتاب پروردگار به موسی در ناامید کردن امید قارون
- ۶۴..... توشه هفدهم: درخواست آمرزش گناهان
- ۶۵..... همانند کردن انسان به مگس و حب دنیا به غسل
- ۶۷..... توشه هیجدهم: با یاد خدا به سوی خدا
- ۶۷..... حکایت صیاد که دلبسته ناله مرغی شد

- توشه نوزدهم: با خدا به درگاه خدا..... ۷۰
- داستان عبدالله بن مکتوم و نزول سوره عبس ۷۰
- دلتنگی عبدالله و نزول سوره عبس ۷۱
- توشه بیستم: یاری خواهی از بخشش خداوند برای سپاسگزاری از او..... ۷۳
- توشه بیست و یکم: فروتنی مایه سربلندی..... ۷۴
- احساس بی نیازی، عامل فساد..... ۷۵
- داستان فرعون و ادعای خدایی کردن..... ۷۵
- در این که مردم بدکردار دچار بدکرداری خواهند شد..... ۷۷
- توشه بیست و دوم: آسانگیری و گذشت..... ۷۹
- آسانگیری و بزرگواری انوشیروان با زیردستان..... ۷۹
- بخشش انوشیروان بر کناهکار..... ۸۰
- توشه بیست و سوم: رضا به قضای خداوندی..... ۸۲
- بد مستی جوانی ناآگاه از دوشاب به جای شراب..... ۸۲
- در خرسندی حقیقی و کشیدن تیر از پای علی (ع) در نماز..... ۸۳
- توشه بیست و چهارم: فروتنی عامل سرافرازی..... ۸۵
- آفرینش آدم و تکبر شیطان..... ۸۵
- توشه بیست و پنجم: اضطراب نزدیکترین حالت به پروردگار..... ۸۷
- داستان حضرت یوسف و به اوج قدرت رسیدن پس از بیچارگی..... ۸۸
- توشه بیست و هشتم: امیدواری به رحمت پروردگار در گرفتاریها..... ۸۹
- گرفتاریهای حضرت ایوب (ع) و پناه بردن وی به خدا..... ۸۹
- توشه بیست و نهم: طالبان دنیا و عاشقان مولی..... ۹۳
- علاقه هارون الرشید و کنیز به یکدیگر..... ۹۴
- توشه بیست و هشتم: حقیقت فرمانروایی از آن اوست..... ۹۶
- حکایت مرد بیابانی و موسی و پیام به پروردگار..... ۹۷
- توشه بیست و نهم: مکر نهان و امر آشکار خدا..... ۹۹

- تباه شدن مکر فرعون در پیشگیری از پیدایش موسی (ع)..... ۹۹
- توشه سی ام: گستره قهر و قدرت خداوندی ۱۰۱
- داستان حضرت نوح و ضرورت جدا کردن عضو فاسد از بدن..... ۱۰۲
- توشه سی و یکم: گریزگاه کجاست؟ ۱۰۴
- غرق شدن فرعون در دریا ۱۰۴
- توشه سی و دوم: دگرگونی بدی به نیکی ۱۰۶
- چگونگی دگرگونی بدی به نیکی ۱۰۶
- پذیرش اشتباه برادران یوسف و عطای جایگاه به آنان..... ۱۰۷
- توشه سی و سوم: ستم بر خویش ۱۰۹
- در گریستن آدم (ع) به درگاه خدا و پذیرش توبه وی ۱۰۹
- توشه سی و چهارم: خیره سری آشکار در برابر مهر پروردگار..... ۱۱۱
- داستان کودک و مار و بی توجهی به هشدار مادر..... ۱۱۲
- ترحم کودک به مار افسرده و فراموشی پند مادر..... ۱۱۳
- توشه سی و پنجم: خطای گناهکار و مهر ورزی پروردگار ۱۱۵
- زندانی شدن یوسف و آشکار شدن پاکدامنی وی ۱۱۶
- نگرانی زلیخا از آزار یوسف ۱۱۶
- توشه سی و ششم: شیرینی گرفتاریها برای شفیقان خدا ۱۱۸
- برافروخته شدن عشق معجون با آزار خویشان لیلی ۱۱۸
- توشه سی و هفتم: انسانهای کوچک و آرزوهای دراز..... ۱۲۰
- داستان موسی و جوان خارکن ۱۲۱
- برخورد دو خارکن و کشته شدن یکی از آنان..... ۱۲۲
- توشه سی و هشتم: فریبندگی دنیا ۱۲۴
- داستان روی آوردن دنیا به ثعلبه و دوری وی از آخرت ۱۲۴
- اجابت دعای پیامبر (ص) و روی آوردن دنیا به ثعلبه ۱۲۵
- فرود آمدن آیه زکات و سر باز زدن ثعلبه از پرداخت آن..... ۱۲۶

- توشه سی و نهم: امیدواری به رحمت آمرزگار..... ۱۲۷
- عشق زلیخا به یوسف و گریز یوسف از وی ۱۲۷
- شرمندگی زلیخا از کردگار بد خویش و عنایت یوسف به وی ۱۲۸
- توشه چهل: پرده پوشی پروردگار..... ۱۲۹
- پرده پوشی برگ انجیر ۱۲۹
- شرمندگی پادشاه از کردار ناپسند پسر ۱۲۹
- توشه چهل و یکم: انسان شتابزده و دنیای فریبنده ۱۳۱
- اندرز حکیمانه کبوتر به جوجه اش ۱۳۱
- شوق پرواز و گرفتاری در دام صیاد ۱۳۲
- توشه چهل و دوم: گستردگی مهر خدا بر همه چیز و درهمه جا ۱۳۳
- پرده پوشی خدا بر خطای زلیخا ۱۳۳
- توشه چهل و سوم: اضطراب زمینه ساز عنایت پروردگار ۱۳۵
- بیچارگی موسی و چاره سازی خدا ۱۳۵
- توشه چهل و چهارم: گسترش فرمان خدا بر همه چیز ۱۳۷
- فرمانروایی حضرت سلیمان به تدبیر خدا ۱۳۷
- توشه چهل و پنجم: فریب کاری نفس ۱۴۰
- حیله گری اصحاب سبت برای صید ماهیان در روز شنبه ۱۴۰
- توشه چهل و ششم: انسان بر سر دوراهی نیکی و بدی ۱۴۲
- داستان دو برادر یکی آخرت جو و دیگری دنیا طلب ۱۴۲
- توشه چهل و هفتم: مصلحت بندگان به دست خداست ۱۴۵
- عنایت خدا بر پیامبری محمد (ص) و کارشکنی بنی قریظه و بنی نظیر ۱۴۵
- خشم خدا بر یهود مدینه و نزول آیات سوره حشر ۱۴۶
- توشه چهل و هشتم: بنده گنهگار و پروردگار آمرزگار..... ۱۴۸
- شرمساری برادران و بزرگواری حضرت یوسف ۱۴۸
- فتح مکه و گذشت پیامبر رحمت از گناه قرشیان ۱۴۹

- توشه چهل و نهم: خدای پوزش پذیر و رحمت پایان ناپذیر ۱۵۱
- عنایت پروردگار به مریم و جایگاه بخشیدن بدو ۱۵۱
- توشه پنجاهم: سستی و ناتوانی ذاتی انسان ۱۵۴
- پیامبری یحیی (ع) در کودکی ۱۵۴
- توشه پنجاه و یکم: هدایت و تربیت خداوندی ۱۵۶
- عنایت پروردگار به ابوذر و هدایت یافتن او ۱۵۶
- توشه پنجاه و دوم: امیدواری ایمان باوران به رحمت پروردگار ۱۵۸
- دعوت ابراهیم (ع) از نزدیکان و اقوام خویش برای یکتاپرستی ۱۵۸
- توشه پنجاه و سوم: مهر پروردگار به بنده خویش گسترده تر از مهر مادر ۱۶۰
- عیادت پیامبر خدا از جوان بیمار ۱۶۰
- در رضایت مادر از جوانش هنگام مرگ او ۱۶۲
- توشه پنجاه و چهارم: تحمل عذاب آخرت چگونه؟! ۱۶۴
- فرعون و کشتن کودکان و داستان مادر موسی (ع) ۱۶۵
- توشه پنجاه و پنجم: گریز از عذاب رستاخیز ۱۶۸
- روایت اصمعی و دیدن سید الساجدین را در طواف ۱۶۹
- بیهوشی حضرت سجاد در حال مناجات و دلداری اصمعی ۱۷۱
- توشه پنجاه و ششم: بندگی خدا برای خدا ۱۷۳
- سر اینکه جنین در رحم مادر ساکت است و چون به دنیا آید گریان شود ۱۷۴
- توشه پنجاه و هفتم: گریه بر هر درد بی درمان دواست ۱۷۵
- دیدن یوسف اعرابی را و سؤال از حال پدر ۱۷۵
- رقت یوسف و قصد نامه نگاری و نهی خدا ۱۷۷
- توشه پنجاه و هشتم: کارسازی خدا ۱۷۹
- بیچارگی مادر موسی هنگام ولادت حضرت موسی و چاره یافتن ۱۸۰
- توشه پنجاه و نهم: خداگریزی هنگام احساس بینایی ۱۸۲
- نافرمانی بنی اسرائیل پس از آزادی ۱۸۳

- توشه شصتم: پدیدار شدن عذاب از پیکره دوزخیان ۱۸۴
- تشبیه دوزخیان به سمندر ۱۸۵
- سرد و سلامت شدن آتش بر ابراهیم ۱۸۶
- توشه شصت و یکم: آزمایش الهی سبب جدایی انسانها از یکدیگر ۱۸۷
- مساوی نبودن مؤمن و کافر با امتحان آشکار میشود ۱۸۸
- کینه توزی قایل و قتل هابیل ۱۸۹
- توشه شصت و دوم: چرخ کژمدار و حکمت پروردگار ۱۹۱
- بخشیدن ساره هاجر را به ابراهیم و پیدایش اسماعیل ۱۹۲
- وحی الهی به ابراهیم که رضایت ساره را حاصل کند ۱۹۳
- گذاردن ابراهیم هاجر و اسماعیل را در مکه و بازگشتن ۱۹۴
- پیدا شدن آب زمزم و آمدن مردم به طرف آنها ۱۹۵
- توشه شصت و سوم: نومییدی از رحمت خدا، بزرگترین گناه ۱۹۷
- در امیدواری خطاکار شوریده حال و عارف از خلق برکنار ۱۹۸
- اشکال عارف و جواب شوریده و مأیوس نبودن از خدا ۱۹۹
- توشه شصت و چهارم: گستردگی رحمت پروردگار و تنگ نظری انسان طمعکار ۲۰۰
- حکایت کشاورزی که به شراکت خود با خدا عمل نکرد ۲۰۱
- گرفتن خدا سهم خود را از جنس و نقد ۲۰۲
- توشه شصت و پنجم: خواندن هر یک از پیامبران خدا را در گرفتاریها ۲۰۳
- هرکس حاجت خود را از رب جوید، و حضرت یوسف وزیر امینی را از خدا خواست ۲۰۴
- معرفی جبرئیل کودکی را که به پاکدامنی یوسف شهادت داده بود ۲۰۵
- توشه شصت و ششم: پنهان بودن بندگان شایسته در میان مردمان ۲۰۷
- خشکسالی و قحطی در زمان حضرت موسی ۲۰۸
- توشه شصت و هفتم: شکوه به درگاه خدا ۲۱۰
- سختگیری قریش بر پیغمبر (ص) در شعب ابیطالب ۲۱۱
- توشه شصت و هشتم: پیشتازان یاری دین چه کسانی بودند؟ ۲۱۳

- چهار تن از کسانی که جزء پیشنازان محسوب میگردند ۲۱۴
- توشه شصت و نهم: فرصتهای طلایی ۲۱۶
- حکایت دزد و خانه عالم عارف ۲۱۷
- آگاهی دزد از حال زاهد ۲۱۸
- توشه هفتادم: بازگشت کرده بد به بدخواه ۲۲۰
- اللهم و من ارادنی بسوء فارده و من کادنی فکده ۲۲۰
- داستان مشرکین و مستهزئین مکه و نتیجه عمل آنها ۲۲۱
- توشه هفتاد و یکم: یاد خدا با زبان و قلب ۲۲۵
- ذکر قلبی و گفتار یوسف و زلیخا یا حدیث عقل و نفس ۲۲۶
- توشه هفتاد و دوم: پناه بردن به خدا از شر بدخواهان ۲۲۸
- در کید و کین ابولهب و ام جمیل و ایذای پیغمبر (ص) ۲۲۸
- توشه هفتاد و سوم: خطاپوش آرزگار ۲۳۱
- گذشت خدا از ابی لبابه و پیمان شکنی یهود ۲۳۱
- توشه هفتاد و چهارم: دلهای شکسته و روانهای پیراسته ۲۳۴
- داستان غلام امام سجاد (ع) و ارتباط ویژه او با خدا ۲۳۵
- دیدن سعید بن مسیب اثر اجابت دعای غلام سیاه را ۲۳۶
- توشه هفتاد و پنجم: درخشش نور در تاریکی ۲۳۹
- پیدایش نور در تاریکی و انتظار نور مطلق ۲۴۰
- یافتن یونس نور فیض الهی را در تاریکی شکم ماهی ۲۴۱
- توشه هفتاد و ششم: صلوات جهان بینی شیعه ۲۴۲
- امید شفاعت به پیامبر و خاندان آن بزرگوار ۲۴۳
- متن دعای کمیل با ترجمه آهنگین و موزون ۲۴۷

پیشگفتار

در تاریخ فرهنگ و ادب ایران زمین کم نبوده‌اند عالمان و عارفانی که هم‌زمان با پژوهش و تدریس و وعظ و خطابه از ذوق هنری و قریحه شعری برخوردار بوده و نکته‌ها و مطالب ارزنده و آموزنده‌ای را در قالب شعر و کلام موزون برای آیندگان به میراث نهاده‌اند.

پیشگامان بلند آوازه‌ای چون خواجه عبدالله انصاری، شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی، شیخ بهایی، مولانا جلال‌الدین بلخی، عطار نیشابوری، نظامی گنجوی، مرحوم کمپانی و دیگر ستارگان ادب پارسی که هر یک در زمینه‌ای از عرفان و حکمت و فلسفه و اندرز و موعظه در قالب غزل و قصیده و مدایح و مراثی ... خوش درخشیدند و آثار ارزشمندی را آفریده و به یادگار گذاشتند.

مرحوم مغفور آیت الله حاج شیخ حیدرعلی صلواتی «قدس سره» نیز همانند سلف صالح از عالمان و عارفان صاحب دلی است که در کنار تدریس و خطابه به سرودن شعر می‌پرداخت. کتاب «نجم السهیل در شرح دعای کمیل» ایشان که در قالب مثنوی سروده شده، از جمله آثار ارزشمندی است که از آن بزرگوار به یادگار مانده است؛ شاعر عارف در این اثر خود به هنگام شرح هر فراز از دعا، نکات اخلاقی عرفانی و داستانهای قرآنی روایی را برجسته کرده و دانش و هنر و عرفان را درهم تنیده و از آن تابلویی زیبا برای عبرت آموزی و اندرز و دانش‌افزایی ساخته و پرداخته است که هر فراز از آن به عنوان جلوه‌ای ماندگار در فرهنگ و ادب این سرزمین به یادگار خواهد ماند.

چگونگی پیدایش این اثر

در دوران نوجوانی و آغاز طلبگی گاهی در مدرسه جده‌ی بزرگ اصفهان خدمت عمومی بزرگوار - که عمومی بزرگ ما محسوب می‌شد و در میان خانواده بسیار مورد احترام بود - می‌رسیدم و پس از پایان درس تا منزلشان در محله دردشت اصفهان، ایشان را همراهی می‌کردم و ایشان در بین راه از مسیر بازار - که قدم‌زنان پیاده می‌رفتیم - اشعاری که اثر طبع خودشان بود را برایم می‌خواند و می‌فرمود این اشعاری است در شرح دعای کمیل که در ساعت‌هایی که حال و فراغت داشتم سر هم بندی می‌کردم.

از آن زمان چند سالی گذشت تا پس از ازدواج عموزاده دکتر فضل‌الله صلواتی با صبیبه مرحوم علامه محمد تقی جعفری روزی در ایام عید نوروز خدمت علامه جعفری رسیدم و ایشان دست نوشته‌های عمو را در دست داشت و بخش‌هایی از آن را با دیده تحسین می‌خواند و می‌فرمود «اشعار بسیار آموزنده و پرمغزی است و در برخی موارد به اشعار مولوی پهلوی می‌زند.» مرحوم جعفری در آن موقع شرحی چند جلدی بر کتاب مثنوی مولوی نگاشته بود..

چیزی طول نکشید که عمومی بزرگوار من در فروردین سال ۱۳۵۱ خورشیدی به خاطر ناراحتی قلبی و تألمات روحی بدروء حیات گفت و به رحمت ایزدی پیوست و عموزاده دکتر فضل‌الله... صلواتی با همت و پشتکار و تلاش بسیار در شرایطی که سخت درگیر مبارزه با ساواک و حکومت استبدادی شاهنشاهی و زندان و تبعید بود، اشعار پدر را گردآوری و ویرایش کرد و با نگاشتن مقدمه و پاورقی‌های مفید بر آن

زیر عنوان «راز و نیاز علی با خدا» به چاپ رساند.^۱ و اینک پس از گذشت پنجاه سال از آن تاریخ فرصتی دست داد تا به برکت جلسات ماه مبارک رمضان و توشه‌گیری از دعای ارزشمند کمیل در مجموعه فرهنگی موسی بن جعفر (ع) خمینی‌شهر درنگی بر این کتاب پند آموز و گرانسنگ داشته باشم و آن را با نگاهی نو مورد مطالعه و پژوهش قرار دهم، به راستی آن را کتابی بسیار مفید و ارزشمند که چون گنجینه‌ای از دیده‌ها نهان مانده است یافتم، از این رو بر آن شدم تا با توشه‌گیری از این کتاب، گزیده‌ای از آن را به رشته تحریر درآورده و شیفتگان دعا و مناجات را هدیه‌ای معنوی به ارمغان آورم. امیدوارم این بهانه‌ای باشد تا فرهیختگان و علاقمندان فرهنگ و ادب این سرزمین دامن همت به کمر زده و با ویرایش و اصلاحات و با حروف نگاری نوین به تجدید چاپ آن همت گمارند و با نگاشتن شرحی گسترده بر مفاهیم آموزنده آن کتاب از به فراموشی سپرده شدن این سرمایه ملی، مذهبی پیش‌گیری کرده و گنجینه‌ای ارزشمند را برای آیندگان به میراث گذارند.

کمیل کیست؟

کمیل ابن زیاد نخعی یمانی از قبیله نخع پسر زیاد بن نهیک از یاران نزدیک امیرمؤمنان حضرت علی (ع) است که آن حضرت به وی عنایت ویژه داشته و از اصحاب سرّ آن بزرگوار به شمار می‌آمده است. برادر او

۱. این کتاب در سال ۱۳۵۳ خورشیدی، در ۵۹۸ صفحه توسط انتشارات خرد با همکاری انتشارات قائم در اصفهان به چاپ رسیده است.

حارث بن زیاد از یاران عبیدا... می باشد و این بیانگر آنست که هرکس در گرو اندیشه و کردار خویش است.

کمیل از بزرگان تابعین و یکی از هشت عابد و زاهد معروف کوفه در زمان خود است و در سه جنگ امیرمؤمنان(ع) با ناکثین و قاسطین و مارقین در رکاب آن حضرت شرکت داشت و فداکاری ها نمود وی پیش از آن نیز در زمان عثمان به خاطر اعتراض به ریخت و پاش های معاویه مدتی به شهر حمص تبعید شد بدین گونه که در زمان حاکمیت عثمان برخی از شیعیان امام علی علیه سلام مانند صعصعه و کمیل نزد معاویه رفته و کارهای او را مورد اعتراض و نقد قرار دادند و از وی خواستند از مقام خود کناره گیری کند اما معاویه آنان را نزد عثمان خلیفه وقت فرستاد و خلیفه آنان را به شهر حمص تبعید کرد.

در نهج البلاغه، نامه و سفارش هایی در ارتباط با کمیل آمده که حکایت از ایمان رفیع و معرفت عظیم او دارد.

جایگاه کمیل در نهج البلاغه

امیر مؤمنان(ع) کمیل را بسیار دوست می داشت و کارهای او را زیر نظر می گرفت و به صورت مناسب او را تربیت و هدایت می کرد. سه مورد در نهج البلاغه در ارتباط با کمیل مطلبی آمده است که به اجمال یادآور می شویم.

۱ - حکمت ۱۴۷

کمیل گوید:

شبی امیرمؤمنان(ع) دستم را گرفت و به بیابان برد چون به صحرا رسیدیم آهی بلند از دل کشید و فرمود: ای کمیل! این دلها چون ظرفها می‌باشند و بهترین آن‌ها با ظرفیت‌ترین آنهاست. پس آنچه را می‌گویم به خاطر بسپار!

مردم سه دسته اند: عالمی ربانی، آموزنده‌ای جویای نیک فرجامی و پشه‌هایی اسیر سرگردانی و...

آن حضرت مطالب ارزشمند و آموزه‌های نغزی را برای وی بازمی‌گوید و در ادامه می‌فرماید:

آری زمین هیچگاه از حجت خدا تهی نمی‌ماند خواه آشکار باشد و مشهور یا ترسان و از دیده‌ها مستور تا حجت‌های خدا از میان نرود و رهنمودهای روشن‌گرش به فراموشی نگراید و اینان چند تن‌اند و کجایند؟!^۱

۲ - حکمت ۲۵۷

در این حکمت کوتاه، امام(ع) کمیل و کسان و یارانش را فرمان می‌دهد که به خودسازی و کسب ملکات اخلاقی پردازند و بدون ریا و خودنمایی برای برطرف کردن مشکلات جامعه و نیازمندان کوشش کنند.

به کمیل ابن زیاد نخعی فرمود: ای کمیل! کسانت را بگو روزها برای کسب صفات فرزندگان بیرون روند و شب‌ها برای رفع نیاز خفتگان کوشند^۲

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۲۵۷.

۳ - نامه ۶۱

کمیل در سال ۳۹ هجری فرماندار علی (ع) در شهر «هیت» عراق شد و هنگامی که وی با خبر شد یاران معاویه به فرماندهی «سفیان بن عوف» قصد یورش به هیت را دارند به گمان آنکه آنان در «قریسا» هستند پنجاه نفر نیروی مسلح را برای حفاظت در شهر گذاشت و به سمت قریسا حرکت کرد، سپاهیان معاویه از این فرصت استفاده کرده و به شهر حمله کردند و خانه‌ها و اموال مردم را مورد تعرض قرار دادند. علی (ع) کمیل را به خاطر غفلت در این زمینه و پرداختن به کاری که از او خواسته نشده بود، در نامه ۶۱ نهج ابلاغه مورد نکوهش و انتقاد قرار می دهد خطبه ۲۷ نهج ابلاغه (خطبه جهادیه) نیز مربوط به همین حادثه است.

در اینجا حضرت می فرماید:

تباه ساختن کاری که بر عهده کسی نهاده‌اند و پرداختن به کاری که بر عهده دیگران گذارده‌اند ناتوانی است آشکار و اندیشه‌ای است ناستوار!

روشن است که این تذکر امام (ع) موجب رنجش کمیل نمی گردد و همچنان مورد توجه و عنایت ان امام بزرگوار است و ی در زمان امام حسن مجتبی علیه السلام نیز از یاران و نزدیکان ان حضرت محسوب می شد.

کمیل ابن زیاد این انسان شریف و پاکباز بخاطر شیعه بودن و وفاداری به امیرمؤمنان به دست حجاج بن یوسف ثقفی که از سوی

عبدالملک مروان خلیفه اموی، حاکم عراق شده بود به سال ۸۲ هـ قمری در سن ۹۰ سالگی به شهادت رسید و امیرمؤمنان از شهادت وی و حجرین عدی پیش از آن خبر داده بود.

مرقد مطهر آن بزرگوار در نزدیکی شهر کوفه «حیّ حنّانه» در اطراف مسجد حنّانه، قرار دارد و زیارتگاه شیعیان و دوستان و محبان امیرالمؤمنین (ع) و اهل معرفت است.^۱

جایگاه دعای کمیل

دعای کمیل بی‌تردید از جمله دعا‌های شریف و ارزشمندی است که امیرمؤمنان (ع) به محرم سرّ خود کمیل بن زیاد نخعی آموخت. علامه مجلسی فرمود:

این بهترین دعاست و آن دعای حضرت خضر است که در شبهای جمعه و نیمه شعبان خوانده می‌شود^۲ مضامین والای این دعای شریف بر صحت و درستی آن گواه است و دنیایی است از معرفت و آموزشگاهی از تربیت که در قالب دعا بیان شده است.

آیت الله صلواتی در مقدمه این کتاب گوید: این مثوره لثالی که برنامه مخاطبت دانی با عالی است، سجّیه مولایی است که در طریق مهر و وداد به کمیل بن زیاد آموخت، که خواسته‌های دنیا و آخرت را چون

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ۱۴۹/۱۷ معجم رجال الحدیث ۱۲۸/۱۴.

۲. مفاتیح الجنان/۱۶۱.

حضرتش کس نتوانست استقصا کردن و مایحتاج سلسله بشر را آن گونه که سزد نتوانست به رشته تحریر آوردن...^۱

اینک به توشه گیری از این کتاب ارزشمند می پردازیم و علاقمندان به استفاده بیشتر و گسترده تر از این گنجینه گرانمایه را به مطالعه اصل کتاب سفارش می کنیم. و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

پاییز ۱۳۹۸ خورشیدی، محمود صلواتی